

نگاه

اندر احوالات حذف بیش از ۲ هزار کدر رشته از دانشگاه آزاد

محمدقلی موهبتی

● حدوداً ۱۰ روزی از انتشار خبر غیرمنتظره و شوکه‌کننده، حذف دوهزارو ۹۰۰ کدر رشته محل‌ها دانشگاه آزاد اسلامی در مقطع کارشناسی‌ارشد از سوی وزارت علوم به وسیله روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری رسانه ملی می‌گذرد که این خبر، سرتیتر خبرها شد و باید اذعان کرد که ماهیت خبر برای جامعه آموزشی کشور-شوکه‌کننده بود. زیرا به روزهای سرنوشت‌ساز بیش از ۷۰۰ هزار داوطلب آماده به ثبت‌نام در آزمون مقطع مذکور و حضور در صرصة کارزار سنجش و پذیرش و نیز هزاران دانشجوی در حال تحصیل در رشته‌های یادشده، مربوط می‌شد.

گفت: سنگ بزرگ، نشان از نژدن است. از پیش روشن بود که در صورت اجرائی شدن این تصمیم عجولانه، عوارض و تبعات آن مانند بلاتکلیفی و سرگردانی هزاران جوان داوطلب به ادامه تحصیل و درحال‌تحصیل، دلواپسی و نگرانی خانواده‌ها، تعطیلی بیش از ۳۰۰ واحد دانشگاهی در بخش‌ها و شهرهای کوچک، بی‌کاری طیف وسیعی از هیئت‌علمی و کارکنان و پیدایش ده‌ها معضل و مشکل جانبی، دام‌گیر جامعه می‌شد. درباره این اقدام شتاب‌زده، اظهارنظرهایی در شبکه‌های اجتماعی شکل گرفت که بعضی (به‌نظر خود) آن را با تغییرات صورت‌گرفته در دانشگاه آزاد مرتبط دانسته و این رویداد را تقابل جناح سیاسی رقیب قلمداد کردند. در صورت صحت یا نادرستی این حدسیات و تفسیر، خوشبختانه با اشارات و تذکرات تلویحی مسئولان ارشد نظام از جمله رئیس مدیر مجلس شورای اسلامی (در مجامع و همایش‌های مناسبتی روز) به حاشیه‌پردازان، مبنی بر احتراز و اجتناب از طرح مسائل فرعی و تنش‌زا در شرایط خاص کشور، از تب‌وتاب این حرکت سنجیده‌گاسته شد و نسیم آرام‌بخش اعتدال و تدبیر، همکاری و همراهی وزین‌د گرفته‌است. ـ عمل و عوامل زمینه‌ساز ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی از حیطة این نوشته خارج است. ولی یادآوری این نکته ضروری است که پس از فراخوان عامه مردم، نمایندگان رهبری، مسئولان اداری و فعالان عرصه آموزش عالی در سراسر کشور، برای ایجاد دانشگاه آزاد اسلامی از سوی مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در سی‌ویکم اردیبهشت ۱۳۶۱ از تریبون نماز جمعه، رفته رفته ایجاد واحدهای دانشگاهی مورد توجه عام قرار گرفت و نخستین آزمون ورودی آن در شهریور ۱۳۶۲ در رشته‌های مختلف برگزار شد و از سال ۱۳۶۷ به بعد بود که خروجی‌های آن رخ نمودند. اتمام تحصیل در رشته نامصوب و به تبع آن عدم دستیابی به اخذ مدرک تحصیلی در کشاکش این‌موضوع، مجلس شورای اسلامی را بر آن داشت تا برای رفع مشکل حادث مبادرت به صدور ماده واحده‌ای کند مبنی بر تشکیل کمیته سه‌نفره از نمایندگان سه مرجع شورای انقلاب فرهنگی، وزارت علوم وقت (احیاناً فرهنگ و آموزش عالی) و دانشگاه آزاد اسلامی، مهر تایید و تأیید کمیته مثلی بر صدها رشته تحصیلی، در واقع داروی موقتی و تسکینی برای رفع عارضه پدیداری سال‌های اولیه شکل‌گیری دانشگاه و براساس مقتضیات آن روزگار بود. ماده واحده‌ای که عمر ۳۰ساله یافته ولی در سال‌های گذشته، متأسفانه آن‌چنان اهتمام جدی و اقدام پایه‌ای تأثیرگذار، از سوی طرفین، برای بررسی مجدد و ایجاد سازوکار مطلوب و متناسب با وضعیت آموزش عالی امروزه در جهت تعیین و تصویب رشته‌های مورد نیاز جامعه مشاهده نشده است. دانشگاه با تسامح و با همان سلیق و سؤال گذشته ره سپرده و دیگری نیز با اغماض و چشم‌پوشی زیرکانه، خود را از ورود به ریسک‌های دردرساز گذشته، به دور داشته است. این چنین روشن و انکارناشدنی است که ملکیت این دانشگاه از آن مردم متوسط‌الحال، کم‌درآمد و کم‌برخوردار زحمتکش و رنج‌بدیده این کشور است در راس مدیریت این دانشگاه مردم‌پنهان، با منظر علمی و فرهنگی، شخصیتی موجه و بارز و از دیدگاه منش سیاسی، اصولگرایی اصلاح‌طلب و اصلاح‌طلبی اصولگرا قرار گرفته، نور امیدی در چشم‌های جوانان دبلیسته و علاقه‌مند به تحصیلات دانشگاهی درخشیده و نگاه‌های مردم شریف و دانش‌دوست این سرزمین بر همت بلند و حلم و تدبیر و تلاش اینارگانه ایستاده دوخته شده است تا کمبودهای وکالتی‌ها را برطرف، آلودگی‌ها را پالایش و تحولی چشمگیر در تمامی زمینه‌های اداری و مالی، آموزشی، فرهنگی ایجاد کنند و آموزش عالی با کیفیتی برابر با دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی به فرزندان برومند ایران اسلامی هدیه کرد و از شعارهای عاری از معنا و محتوا، مانند بزرگ‌ترین دانشگاه حضوری جهانی که نشان کمیته دارد، پرهیز کنند. بدیهی است این توقع و انتظار از دست‌اندرکاران صدیق و صالح و شخصیت‌های مبرز و مجرب وزارت علوم تحقیقات و فناوری نیز مورد نظر و مطلوب است که با برنامه‌ریزی‌های و زمان‌بندی‌های مناسب و تدریجی، مسئولان دانشگاه را در رفع ایرادات و اشکالات کیفی‌سازی آموزشی و ارتقای سطح علمی همراهی و یاری کنند؛ همان‌گونه که گام نخست از تایید و صدور مجوز گذشته‌های اعلام‌شده اخیر نمایشی زیبا متجلی شد.

مطالب ارسالی از طرف خوانندگان، هر پنجشنبه، در صفحه «مخاطبان شرق» منتشر می‌شود. مطالب مخاطبان برای اینکه قابلیت چاپ را در این صفحه داشته باشند، باید همراه نام، مشخصات، شماره تماس نویسنده و تا آنجا که ممکن است به صورت خلاصه با درج عنوان به آدرس

تروریسم شبکه‌ای در دوران پساداعش

محمدرضا عبداله‌پور

داعش که با شکست در عراق، شبکه‌های ترور را برای جذب ستمپات و اقدامات تروریستی فعال می‌کنند. به عبارتی داعش عراق- سوریه‌محور را تبدیل به داعش خاورمیانه‌محور ولی با اقدامات سلولوی و شبکه‌ای می‌کند. این اقدام با توجه به ضعف امنیتی کشورهای عراق و سوریه خود را نماینده جمعیت اهل تسنن معرفی کرده، توانسته ژئوپلیتیک منطقه را تغییر بدهد. در این راستا داعش برای مدتی توانست خود را به صورت یک واحد جغرافیایی در منطقه شمال عراق و سوریه تثبیت بکند. ظهور این پدیده، چالش‌های ژئوپلیتیکی را مانند بهم‌ریختگی جغرافیای جمعیتی و تقویت دوقطبی شیعه- سنی در خاورمیانه، صف‌گیری‌های ژئوپلیتیکی جدیدی در ساختارهای ژئوپلیتیکی مستقر در منطقه، ظهور تعارضات هویتی در منطقه، چالش در توازن ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای...و. به همراه داشته است. با این تفاسیر گرچه در جولای ۲۰۱۷، داعش همه قلمرو خود را در عراق و سوریه از دست

احترام به اکثریت، رعایت حقوق اقلیت

داوود خداوردونی

متأسفانه گمشده حال حاضر جامعه امروزی ما، اخلاق است. وقتنی در جامعه اخلاق حاکم نباشد، تمام مناسبات داخلی بین اقشار مختلف مردم آسیب می‌بیند و این آسیب نه‌تنها در زمان حال، بلکه در سال‌های آینده هم مشاهده خواهد شد. چون در نبود اخلاق، اول از همه فرهنگ ناقص و ابتر می‌ماند، برای برچیده‌شدن ناهنجاری‌ها و ضدارزش‌ها در جامعه، اول باید اخلاق حاکم باشد. وقتنی اخلاق در جامعه حکمرانی کند تمام مناسبات مردم با یکدیگر در جامعه در مسیر رشد قرار می‌گیرد. اخلاق سیاسی، اخلاق اجتماعی و اخلاق فرهنگی یا به عبارتی وجود اخلاق در تمام شئونات زندگی امروز جامعه صا، اول از همه با قبول وجود مخالف در جامعه تحقّق پیدا می‌کند. وقتنی ما حضور و زیست مخالف در کنار خود را قبول کنیم، خواه‌ناخواه برای زندگی اجتماعی وی احترام قائل می‌شویم و در نتیجه این زیست مسالمت‌آمیز در کنار هم، درجه تحمل‌پذیری افراد بالا خواهد رفت. وقتنی قائل به حضور و زیست مخالف آرای و عقاید خود، در کنارمان باشیم، این هم‌زیستی خواه ناخواه باعث تضارب آرا و اندیشه یکدیگر می‌شود که همین باعث بهبودی با در صورت لزوم تصحیح اندیشه و فکر یکدیگر می‌شود. امیدوارم اول از همه راه‌های مختلف ابزار عقاید و اندیشه‌های خودمان را

تحقیر فرهنگ ایرانی، شاهنامه و تاریخ ایران باستان

میرمهرداد میرسنجری

چندی است تحركات مشکوکي بر ضد هويت ملي ايران‌زمين مشاهده مي‌شود که بسيار ضروري است خاستگاه اين تحركات از سوي نهادهاي امنيتي کشور مورد توجه جدی قرار گیرد. در برنامه دوشنبه‌ش ۱۹ تير ۱۳۹۶) خندوانه، خندانده‌شو، با دستاویز خنداندن مخاطب، فردی به نام ... با ادبیات بسیار رکیک و کاربرد واژگانی زشت، در برابر میلیون‌ها بیننده تلویزیونی به تمسخر علنی نمادهای هویت ایرانی از جمله رستم و سهراب شاهنامه فردوسی پرداخت و آشکارا به نژاد آریایی ناسزا گفت که با ریشخند و تشویق مکرر رامبد جوان مجری برنامه خندوانه و حاضران ناآگاه در صحنه همراه شد؛ اقدامی که واکنش‌های توام با خشم و ناراحتی شدید اقشار مختلف ملت را به همراه داشت. از شورای سیاست‌گذاری صداوسیما و مسئولان شبکه نسیم یاد پرسید، تکرار چندین‌باره توهین و تحقیر فرهنگ ایرانی و شاهنامه فردوسی در برنامه‌های پربینده اجتماعی این شبکه به‌ویژه خندوانه و انجام وظیفه در برابر واقعیت هويت مادر «ایران» است یا خدمت به همسایگان آزمندي که حتی بر اسطوره‌ه ایرانی «سیمرغ» نیز چنگ انداخته‌اند و مدعی مالکیتش شده‌اند و بیش‌تر «تار ایرانی»، «چوگان ایرانی» و حتی «ورزش روزخانه‌ای ایرانی» را هم از آن خود اعلام کرده‌اند و حتی به نیمی از خاک ایران هم چشم دارند و در آن هم متعلق به خود می‌دانند؟ آیا در سخن مجری برنامه خندوانه که تأکید دارد از کاربرد واژه «ملت» ایران، خودداری کند و در عوض برای میهمانان، بر واژه‌های مشکوک «ملت...»، «ملت...»، تأکید می‌کند، نهادهای موجود است؟ درحالی‌که، شوربختانه هیچ سوهی رسمی متولي حراست از هويت ملي ايراني وجود ندارد، هر روز ابعاد مختلفی از توهين‌ها و تمسخر آشکار و پنهان ضد هويت ملي ايراني را شاهد هستیم ازجمله:

۱- فحاشی و تمسخر علنی به کوروش دالقرنین
سوره کهف قرآن مجید ۲- تمسخر تاریخ ایران باستان و نژاد ایرانیان ۳- بسترسازی تجزیه زبانی-

پژواک

politics@sharghdaily.ir ارسال شود. بدیهی است انتخاب متن‌های قابل انتشار، برعهده گروه سیاسی و مدیریت روزنامه خواهد بود؛ اما اسامی همراهان و مخاطبانی که مطالب خود را برای «شرق» ارسال کرده‌اند و موفق نشده‌ایم مطالب‌شان را منتشر کنیم، در همین صفحه ذکر خواهد شد.

تروریسم شبکه‌ای در دوران پساداعش

صورت دوقاکتو، تقویت شده است. داعش که محصول القاعده است، در آگوست ۲۰۱۴ و به دنبال قلمروسازی ژئوپلیتیک در نواحی مرکزی و شرقی سوریه و هم‌مرز با عراق و کنترل تمام سرزمین شمال دره فرات و عرب سنی، اعلام موجودیت کرد. داعش که در کشورهای عراق و سوریه خود را نماینده جمعیت اهل تسنن معرفی کرده، توانسته ژئوپلیتیک منطقه را تغییر بدهد. در این راستا داعش برای مدتی توانست خود را به صورت یک واحد جغرافیایی در منطقه شمال عراق و سوریه تثبیت بکند. ظهور این پدیده، چالش‌های ژئوپلیتیکی را مانند بهم‌ریختگی جغرافیای جمعیتی و تقویت دوقطبی شیعه- سنی در خاورمیانه، صف‌گیری‌های ژئوپلیتیکی جدیدی در ساختارهای ژئوپلیتیکی مستقر در منطقه، ظهور تعارضات هویتی در منطقه، چالش در توازن ساختارهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای...و. به همراه داشته است. با این تفاسیر گرچه در جولای ۲۰۱۷، داعش همه قلمرو خود را در عراق و سوریه از دست

بررسی رفتار اخیر صداوسیما از دیدگاه فروید

غلامرضا هاشمی‌فرد

فروید، پدر علم روان‌کاوی، معتقد است ضمیر ناخودکاه (The unconscious) انباری است پر از تمایلات و آرزوهای خارج از دسترس که تعیین‌کننده رفتار و گفتار ماست. اخیراً شاهد تحریف سخنان رئیس‌جمهور در شبکه خبر بودیم. جایی که روحانی گفته بود «به قبود قضائیه دعوت شدم» ولی در تریونیس، شبکه خبر از کلمه «احضار» استفاده کرد. البته بعد از اینکه با واکنش گسترده کاربران فضای مجازی روبه‌رو شد، شبکه خبر- بدون عذرخواهی- از آن با عنوان «اشتباه سهوی» یاد کرد. در سایت شبکه خبر با لحنی حق‌به‌جانب آمده: «... این اشتباه بعدا اصلاح شد ولی به‌رحال بهانه لازم به طرفداران دولت داده شده بود!». برای واکاوی محتویات ضمیر ناخودکاه افغدتا باید سوابق و گذشته آن را بررسی کرد. به عبارت دیگر باید دید آن انبار ناخودکاه چگونه پر شده است. با شروع به کار دولت یازدهم در مرداد ۱۳۹۲ شاهد کارشکنی‌ها و حملات جناح ناکام بودیم. از همان زمان بود که مخالفان، تمایلات و آرزوهایشان را از انبار ناخودآگاهشان بیرون کشیدند و در رسانه‌های گسترده‌ای که در اختیار داشتند، منتشر کردند. یکی از این تمایلات، یک‌درواه‌ی شدن دولت تدبیر و امید بود. به‌عنوان مثال در گفت‌وگوی تصویری که حمید رسایی، نماینده سابق مجلس، در ۱۰ آبان ۱۳۹۵ با سایت خبرآنلاین داشت، از احتمال رد صلاحیت روحانی سخن به میان آورد و در ادامه ادبیات پشیمانی پستی‌بینی کرد که «دولت روحانی اولین دولت چهارساله خواهد بود». در کنار این‌گونه اظهارنظرها نادیده‌گرفتن دستاوردها و اقدامات دولت از سوی صداوسیما به جایی رسید که رئیس دولت را به واکنش واداشت. البته قضیه به همین جا ختم نمی‌شود و حملات کم‌سابقه به دولت از جمله مخالفت شدید با مذاکرات هسته‌ای و در پی آن کار مذاکرات‌دهای برجام گوشه‌ای از تلاش طرف مقابل است. از طرفی، حامیان دولت که از تفرقه خشونت

دعوت به سکوت

جلال رحمانی

خیلی کم است. به طرز عجیبی بر به اصطلاح توجیه‌کردن دیگران اصرار داریم. آزمون ساده، میزان این میل در ما را نشان می‌دهد: کافی است یک روز، فقط یک روز، خود را بیازماییم. سعی کنیم به نقیضات دیگران و سخنان اطراف خود، واکنشی نشان ندهیم. بیامد این آزمون به ما نشان خواهد داد که چه میزان بر تحمیل دنیای ذهنی خود بر دیگران مشتاقیم. بد نیست مثالی از فضا مجازی بزنم تا موضوع روشن‌تر شود. مختصر جست‌وجو در چنین فضاهایی نشان می‌دهد که عموماً نویسندگان هیچ منظر متفاوت از منظر خود را بدون پاسخ نمی‌گذارند. در بیشتر اوقات نویسندگان حق خود می‌دانند که به هر جنبه‌های توجه نشان دهند و آنها را نسبت به انحراف در برداشت از متشنان آگاه کنند. گویا اطمینان از پذیرش دیگران بیشتر از طرح موضوع اهمیت دارد. این اتفاقی است که مکرر در عرصه‌های دیگر زندگی‌های ما رخ می‌دهد. پیشنهاد من تقویت نوعی بی‌اعتنایی سازنده است که از قضا پیامدهای مطلوبی در پی دارد. اول، موجب امکان‌های وسیع‌تری برای گسترش زندگی چندمنظری در جامعه می‌شود. افزون بر این، حق دیگران در قضاوت را به رسمیت می‌شناسد. با این تعبیر، شاید گفت ما را است تا گوش‌های تبیلمان را به تلاش بیشتری واداریم. برای جامعه ما که در همه‌هم گیج‌کننده‌ای گرفتار است، دعوت به گفت‌وگوی عقلانی توصیه خوبی نیست. وقتی همه در حال سخن‌گفتن‌اند و توجهی به گفته‌های دیگران ندارند توصیه بهتر دعوت به سکوت است.

روژنه

کودک و توسعه

رضا پژکول

● نمی‌توانید به کودکی بیاموزید که از خود مواظبت کند، مگر آنکه او را آزاد بگذارید تا برای مواظبت از خود بکوشد، ممکن است اشتباه کند؛ ولی دانایی او از میان همین اشتباهات سرچشمه می‌گیرد (ویچر).

کشورهای توسعه‌یافته برای رشد و پیشرفت در جهان توسعه‌یافته به پرورش کودکان در پایه‌های ابتدایی و آموزش در بزرگسالی اهمیتی خاص قائل هستند. دولتمردان در کشورهای توسعه‌یافته از تولید ناخالص ملی خود می‌زنند و برای سرمایه‌گذاری در نظام آموزشی هزینه می‌کنند تا با تمرکز به پایه‌های تحصیلی کودکان و پرورش آنان، آینده بهتری را رقم بزنند. کشور ما یک قرن در حال سعی و خطا است تا با سرمایه‌گذاری از مکتب‌خانه‌های قدیم به آموزش‌وپرورش این امر را متغیر بخشد، شاید به توسعه پیدا کند؛ اما شواهد نشان می‌دهد که ما همچنان در این زمینه عقب مانده‌ایم.

غربی‌ها ۷۰ سال پیش با سرمایه‌گذاری برای رشد عینی و ذهنی کودکان در پایه‌های تحصیلی گام برداشتند و امروز به نتایج بزرگی دست یافته‌اند. آنان به‌درستی پی بردند که کارخانه توسعه در کشور از خانه و محیط اجتماعی نضج می‌شود و به کارخانه‌ها و محیط اجتماعی نضج پیدا می‌کند. غربی‌ها نشان دادند برای اینکه توسعه پیدا کنند، باید برای کودکان زیر ۱۰ سال برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری کنند، آنها دریافتند که حساس‌ترین دوره پرورش فرزندان در دوره کودکی است. کارخانه توسعه در همه کشورهای پیشرفته از خانه تا مدرسه و یادگیری جمعی متمرکز است؛ تاجایی که این الگو به کشورهای شرق آسیا مانند ژاپن، کره و سنگاپور نیز تسری پیدا کرد تا آنان بهتر و پربارتر آن را عملی و نهادهی کنند.

غربی‌ها پی بردند که باید دانش ضمنی کودکان را بالا ببرند، دانش ضمنی که توانایی بچه‌ها را دربرگیرد و درون آنها موجی از عشق و خلاقیت ایجاد کند. پذیرفتند که راه هدایت کودکان، پرورش عملی و دادن آزادی انتخاب در کودکی و بالا بردن توانایی آنان در امر پرسشگری و نقدپذیری است.



از طرفی دریافتند که مسئول تعلیم کودکان در ابتدا مادر و پدر هستند و سپس خانه و دبستان، مرکز انسان‌پروری. در خانه است که کودک یاد می‌گیرد چگونه گفت‌وگو کند، تفکر بلندمدت داشته باشد و نقدپذیر باشد؛ اینها را کودک در خانه با مادر و پدر تمرین می‌کند تا با ورود به مدرسه آنها را نهاده‌بند کند. طبق گفته کارشناسان آموزشی، برای کودکان سه درس، بیش از هر درسی در ایجاد خرد جمعی و گروهی تأثیرگذار است؛ کاردرستی، نقاشی و ورزش.

در کلاس نقاشی و با یک رنگ‌شدن همه ابزارهای نقاشی توانمندی کودک رشد می‌کند، کودک سرمایه‌گذاری مشترک را یاد می‌گیرد، مدیریت را می‌آموزد، همکاری و همفکری را در کنار هم‌کلاسی‌ها آموزش می‌بیند، گفت‌وگو را تمرین می‌کند، تفاهم را می‌آموزد، تقسیم‌کار را یاد می‌گیرد، سلسله‌مراتب را تجربه می‌کند، صبر در همکاری و ریسک‌پذیری را یاد می‌گیرد؛ اینها را فقط در یک کلاس نقاشی می‌آموزد.

هر کسی مسئول است از خلاقیت ذهنی خود برای نقاشی دسته‌جمعی بهره می‌گیرد، نه اینکه به‌تنهایی و به وسایل فردی خود، جداً از دیگران نقاشی را بیاموزد. همین عوامل و عامل‌های دیگر به آنان می‌آموزد که خرد جمعی، تصمیم‌های جمعی، تفاهم و انتخاب‌های جمعی را ابتدا در خود جلا‌جی کنند و سپس در جامعه و محیط کاری آن را بارور کنند.

آن‌گاه همین کودکان خلاق و خرداندیش در فرایند زمان، توسعه کشورشان را شتاب بیشتری می‌بخشند. مسئولان ما نیز می‌توانند با دادن بخش اعظمی از درآمد ناخالص ملی، آموزش‌وپرورش و تربیت مریان بزرگ برای کودکان آینده‌ساز کشور را درایند، پایه‌های فکری آنها را در مطالعه و کارهای جمعی تا لحاظ روحی آماده کنند تا با عشق و خلاقیت ذهنی، بهترزیستن را در کنار همدیگر و ساختن ایران فردا توسعه محروم و محروم‌تر خواهد کرد.